

مانیفست جوانان غزه برای تغییر وضع موجود

کمیته هماهنگی

جمعه ۱۷ دیماه ۱۳۸۹



گروهی از دانشجویان غزه در فلسطین در اعتراض به زندگی جهمی خود و برای تغییر آن مانیفستی را منتشر کرده اند که ما آن را از زبان انگلیسی ترجمه کرده ایم و متن فارسی آن را برای آگاهی کارگران ایران در اینجا منتشر می کنیم. اما پیش از آن و به عنوان مقدمه، توجه خوانندگان را به گزارش خبرنگار روزنامه Observer ، که مخفیانه با نویسندگان این مانیفست در غزه ملاقات کرده است،

جلب می کنیم. متن انگلیسی این گزارش و همچنین مانیفست مورد بحث در سایت روزنامه Guardian و در لینک زیر قابل دسترسی است:

<http://www.guardian.co.uk/world/2011/jan/02/free-gaza-youth-manifesto-palestinian>

این مانیفست و نیز گزارش مذکور نشان می دهند که مردم غزه علاوه بر جهمی که اسرائیل برای آن ها ساخته است از سرکوب و ستم جریان ارتجاعی حماس نیز سخت رنج می برند. همچنین نکته قابل توجه در مانیفست جوانان غزه - که انگار از زبان جوانان ایران سخن نوشته شده - آن است که جریان ارتجاعی حماس در حال پیاده کردن مو به مو رهنمودهای جمهوری اسلامی ایران در غزه است. اگر کارهای حماس در غزه را در کنار آنچه در عراق و افغانستان و پاکستان و حتی این روزها در مصر می گذرد- به صورت انفجار بمب در کلیسا و کشتار مسیحیان - بگذاریم، خواهیم دید که تلاش ارتجاعی سرمایه جهانی به سردمداری سرمایه داری آمریکا برای قبضه خاورمیانه با ابزار «دموکراسی و مبارزه با تروریسم» چه بستر مناسبی برای نبش قبر نیروهای قرون وسطایی فوق ارتجاعی و رشد و گسترش آن ها در خاورمیانه فراهم آورده است. متن گزارش دیدار خبرنگار Observer را با دانشجویان نویسنده مانیفست جوانان غزه بخوانیم:

«با دانشجویان در اتاقی لخت و خالی در ساختمانی در مرکز شهر غزه دیدار می‌کنم. شرط این دیدار آن است که از هیچ کس عکس نگیرم و اسامی واقعی دانشجویان را نپرسم. پس از انتشار آنچه «مانیفست جوانان غزه برای تغییر وضع موجود» نام گرفته است، اولین بار است که گروهی از جوانان فعال سایبری در فلسطین موافقت کرده اند که با یک خبرنگار ملاقات کنند. این مانیفست سند شورانگیزی است - با بیانی شجاعانه و نیرویی خروشان - که هزاران نفر را در اینترنت مجذوب خود نموده و دانشجویان جوان دانشگاه‌ها را برانگیخته و در همان حال دلواپس کرده است. یکی از این دانشجویان که خود را «ابو جورج» می‌نامد، می‌گوید «نه فقط زندگی ما بلکه زندگی خانواده هایمان نیز در خطر است.»

«مانیفست جوانان غزه برای تغییر وضع موجود» فریاد نامعمول و پرشوری است که در آن مردان و زنان جوان غزه - که نیمی از جمعیت ۱/۵ میلیونی آن زیر ۱۸ ساله اند - اعلام می‌کنند که دیگر بس است. متن مانیفست با این عبارات آغاز می‌شود: «گند بزنند حماس را! گند بزنند اسرائیل را! گند بزنند الفتح را! گند بزنند سازمان ملل را! گند بزنند آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی ((UNRWA را! گند بزنند آمریکا را! ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغال، تجاوز به حقوق بشر و بی تفاوتی جامعه بین‌المللی حالمان به هم می‌خورند!»

مانیفست سپس به شرح جزئیات تحقیر و سرخوردگی روزانه مردم در نوار غزه می‌پردازد، قطعه زمینی از فلسطین که پس از آن که حماس در سال 2006 در آن به قدرت رسید، عملاً توسط اسرائیل و مصر از بدنه جهان جدا شده است.

جوانان غزه مانیفست خود را این‌گونه ادامه می‌دهند: «ما اینجا در غزه نگران آنیم که به زندان بیفتیم، بازجویی شویم، کتک بخوریم، شکنجه شویم، بمب بر سرمان بریزد و کشته شویم. ما می‌ترسیم زندگی کنیم، زیرا برای هر قدمی که در هر مورد برمی‌داریم باید کلی فکر کنیم که نکند برایمان عواقب ناگواری داشته باشد. همه با محدودیت روبه روییم. نمی‌توانیم آن‌طور که می‌خواهیم عمل کنیم، آن‌طور که می‌خواهیم حرف بزنیم، نمی‌توانیم کاری را که دوست داریم بکنیم، گاه حتی نمی‌توانیم آن‌طور که می‌خواهیم فکر کنیم زیرا اشغال سرزمین با چنان شدتی ما را در چنگال خود فشرده که مغزها و قلب هایمان را به درد آورده و ما را واداشته که خود را به دریای اشک حرمان و خشم بسپاریم!» متن مانیفست با یک مطالبه سه‌گانه پایان می‌پذیرد: «ما سه چیز می‌خواهیم. می‌خواهیم آزاد باشیم. می‌خواهیم زندگی بهنجار داشته باشیم. می‌خواهیم در صلح زندگی کنیم. آیا مطالبه این‌ها چیز زیادی است؟»

این گروه در فیس بوک مانیفست خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «جوانان غزه خشم خود را بیرون می‌ریزند.» این جوانان سه هفته پیش که مانیفست را نوشتند یک سال به خود مهلت دادند تا حمایت

کافی را برای انجام کارهای بعدی به دست آورند. اما این متن با سرعت غیر منتظره ای پخش شده و هزاران پشتیبان به دست آورده است. که بسیاری از آنان فعالان حقوق بشر هستند. که همه آمادگی خود را برای کمک به آن اعلام کرده اند.

اینک نویسندگان مانیفست در حال بررسی تاثیر سندی هستند که انتشارش می تواند نقطه عطفی در زندگی مردم غزه باشد. یکی از آنان می گوید «ما انتظار نداشتیم مانیفست با چنین استقبالی روبه رو شود.» هشت نفر - سه زن و پنج مرد - متن را نوشته اند. آنان دانشجویانی معمولی هستند، از طیف سکولار جامعه غزه. همه خود را دانشجویانی غیرسیاسی می دانند که از تنش ها و رقابت هایی که مردم فلسطین را به سیاهی لشکر جریان های سیاسی تبدیل کرده است منزجرند، جریان های حماس که بر غزه حکومت می کند و الفتح که حزب سکولاری است که دولت خودگردان فلسطین را که در وست بانک بنیان گذاشته شد اداره می کند. یکی از اعضای گروه می گوید «سیاست چیز مزخرفی است که به زندگی ما گند می زند. سیاستمداران فقط به فکر پول و حامیان خود هستند. فقط اسرائیلی ها از این سیاهی لشکر شدن مردم سود می برند.»

دو تن از اعضای گروه تا کنون چند بار توسط حکومت غزه دستگیر شده و در کنار اتهامات دیگر به رفتار «غیراخلاقی» متهم شده اند. آن ها می گویند در زندان مورد بدرفتاری قرار گرفته اند و ادعا می کنند که تنبیه بدنی و روانی در بازداشتگاه های غزه امری عادی است.

یکی دیگر از آن ها می گوید از یکی از دانشگاه های آمریکا بورس گرفته است اما اسرائیل اجازه مسافرت به او نمی دهد. یکی از دانشجویان که می خواهد او را «ابو یازن» بنامیم، می گوید «قرار است ما موتور تغییر این جامعه باشیم، اما صدای ما را خاموش می کنند. در مطبوعات، در دانشگاه و در جامعه نمی توانی آزادانه و خارج از چهارچوب معمول حرف بزنی بی آن که خطری متوجه خودت و خانواده ات شود.» هم او اضافه می کند: «در مدرسه، خیابان و همه جای غزه احساس می کنی که تحت نظری. هر لحظه امکان دارد به زندان بیفتی. [حماس] تو را تهدید می کند که آبروی خودت و خانواده ات را خواهد برد و این کار را خواهد کرد.»

این جوانان جز خودشان نماینده هیچ کس دیگر نیستند. اما فراخوان آنان به تغییر وضع موجود سخت طنین انداز شده است، نه فقط در خارج بلکه در داخل غزه. صفحه آنان در فیس بوک هم اکنون هزاران دوست پیدا کرده است که بسیاری از آنان در نوار غزه زندگی می کنند.

سرخوردگی این جوانان دلایل متعددی دارد. محاصره غزه توسط اسرائیل باعث ممنوعیت ورود و خروج بدون مجوز مردم شده است، مجوزی که به دست آوردن اش دشوار است. دشوارترین کار برای دانشجویان غزه که می خواهند در خارج درس بخوانند نه پذیرش دانشگاه های خارج یا گرفتن بورس از آن ها بلکه مسافرت به خارج است. در داخل غزه بهبودی در اوضاع به چشم نمی خورد. گلوله

باران غزه توسط اسرائیل که به دنبال شلیک موشک به اسرائیل توسط مبارزان فلسطینی انجام می گیرد جزئی از زندگی روزانه مردم است. قطع برق و اوضاع مصیبت بار بهداشت از جمله عوارض جانبی محاصره اقتصادی غزه است.

میزان بالای بیکاری در غزه و دسترسی اندک فارغ التحصیلان آن به دیگر بازارهای کار این احساس را در بسیاری از اینان به وجود آورده است که به بن بست رسیده اند. برخی از آنان به امید روزهای بهتر آینده به تحصیل ادامه می دهند و مدرک بالاتر می گیرند و از طریق اینترنت زبان های خارجی بیشتری را می آموزند. برخی دیگر وقت کثی می کنند و هر روز با دوستان شان قلیان می کشند. شمار کسانی که برای تسکین زخم ها و سرخوردگی هایشان به مواد مخدر پناه می برند روز به روز بیشتر می شود. بیرون رفتن و دیدار با دوستان در کافه ها - چه رسد به کلوب ها و دیسکوتک ها - یا حضور در رویدادهای فرهنگی روز به روز دشوارتر می شود، زیرا حماس این ها را نشانه «هجوم فرهنگی» غرب می داند و آن را سرکوب می کند.

در غزه تناثر وجود ندارد و جز اجرای سرودهای اسلامی که توسط نهادهای حماس سازمان داده می شود کمتر پیش می آید که کنسرت های موسیقی اجرا شود. در مکان هایی که مردان و زنان جوان می توانند یکدیگر را ببینند، که جوانان کمتر محافظه کار آن ها را «مفر» می دانند، پلیس به سرعت سراغ زوج های جوانی که فکر می کند زن و شوهر یا نامزد یکدیگر نیستند می رود و از آن ها بازجویی می کند.

آخرین اتفاقی که کاسه صبر نویسندگان مانیفست را لبریز کرد ماه پیش روی داد، وقتی حماس شارک ((Sharek را بست. شارک سازمانی است که از سوی نهادهای بین المللی تامین مالی می شود و به هزاران جوان و نوجوان فلسطینی در غزه خدمات آموزشی و تابستانی می دهد. محل شارک در عین حال پاتوقی بود برای جمع شدن جوانان آزاداندیش تر غزه. سازمان دیده بان حقوق بشر اخیرا بیانیه ای صادر کرد و بستن شارک را محکوم نمود. این سازمان اعلام کرد که حماس باید اجازه دهد که سازمانی که به کودکان و جوانان کمک می کند دوباره فعالیت کند و کسانی را که موجب اذیت و آزار کارگران آن شده اند، مجازات کند.»

به گفته ایحاب الغسین، سخنگوی وزارت کشور حماس، مشکلاتی که جوانان ناراضی غزه آن ها را پررنگ نشان می دهند گاه نتیجه افراطی گری ماموران است. او گفت «در غزه هیچ قانونی وجود ندارد که کنار هم نشستن زنان و مردان در مکان های عمومی را منع کرده باشد. اما برخی ماموران پلیس به ابتکار خود از زوج های جوان بازجویی می کنند. این ماموران باید تنبیه شوند.»

او می گوید دلیل تعهد دولت به نسل جوان غزه این است که سال ۲۰۱۱ را «سال جوانان» اعلام کرده است. اما نویسندگان مانیفست ناراضی تر از آنند که این گونه ابتکارهای نمادین آنان را راضی کند. این

گروه این روزها اکثر وقت و انرژی خود را صرف بحث و جدل در مورد یافتن راهبردهای جدید برای ندوین یک منشور برای تغییر وضع موجود و انتشار آن در اینترنت می کند. سال جدید ممکن است سال جوانان غزه باشد، اما نه به معنای مورد نظر حماس.»

مانیفست جوانان غزه برای تغییر وضع موجود

گند بزندان حماس را. گند بزندان اسرائیل را. گند بزندان الفتح را. گند بزندان سازمان ملل را. گند بزندان آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی ((UNRWA را. گند بزندان آمریکا را! ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغال، تجاوز به حقوق بشر و بی تفاوتی جامعه بین المللی حالمان به هم می خورد!

ما می خواهیم فریاد بکشیم و همچون ۱۶F های اسرائیل که دیوار صوتی را می شکنند این دیوار سکوت و بی عدالتی و بی تفاوتی را بشکنیم؛ فریادی با تمام قدرت نهفته در جان هایمان برای رهایی از این سرخوردگی عمیق که به علت زندگی در این وضعیت جهنمی جسم و جان ما را تحلیل می برد... ما از این که گرفتار این مبارزه سیاسی شده ایم، بیزاریم؛ بیزاریم از شب های تاریک و قیرگون و هواپیماهایی که بر فراز خانه هایمان چرخ می زنند؛ بیزاریم از کشتار کشاورزان بی گناهی که در منطقه بی طرف مورد اصابت گلوله قرار می گیرند زیرا می خواهند از زمین هایمان مراقبت کنند؛ بیزاریم از آدم های ریشو که با تفنگ هایمان در خیابان ها گشت می زنند، از قدرت شان سوءاستفاده می کنند و جوانانی را که برای اهداف مورد اعتقادشان تظاهرات می کنند، کتک می زنند و یا به زندان می اندازند؛ بیزاریم از دیوار شرم آوری که ما را از سایر قسمت های کشورمان جدا کرده و ما را در در قطعه زمینی بس کوچک حبس کرده است؛ بیزاریم از این که ما را تروریست ها و خشک مغزان کوتاه بینی بنامند که در جیب هایمان مواد منفجره و در چشم هایمان شرارت نهفته است؛ بیزاریم از بی تفاوتی جامعه بین المللی نسبت به وضعیت ما، از به اصطلاح کارشناسانی که نگرانی ها را بیان می کنند و قطع نامه صادر می کنند اما از عملی کردن هر آنچه که مورد توافق شان است می هراسند؛ ما از این زندگی گند و کثافت، از زندانی شدن توسط اسرائیل، از کتک خوردن توسط حماس و از نادیده گرفته شدن کامل توسط سایر قسمت های جهان بیزاریم.

انقلابی در درون ما در حال رشد و نشو و نماست، نارضایتی و سرخوردگی عظیمی که ما را نابود می کند مگر آن که راهی برای هدایت این انرژی عظیم به سوی چیزی پیدا کنیم که بتواند وضع موجود را به چالش بکشد و نوعی امید در دل های ما بدمد.

ما به زحمت حمله اخیر اسرائیل به غزه را تاب آوردیم، حمله ای که طی آن اسرائیل ما را سخت درهم کوبید و خرد و خمیر کرد و هزاران خانه و زندگی و آرزو را نابود نمود. در جریان این جنگ، ما به

این احساس خطنانپذیر رسیدیم که اسرائیل می خواهد ما را از صفحه گیتی محو کند. در سال های اخیر، حماس هر کاری خواسته است کرده تا بتواند اندیشه ها، رفتار و انتظارهای ما را کنترل کند. ما اینجا در غزه نگران آنیم که به زندان بیفتیم، بازجویی شویم، کتک بخوریم، شکنجه شویم، بمب بر سرمان بریزد و کشته شویم. ما می ترسیم زندگی کنیم، زیرا برای هر قدمی که در هر مورد برمی داریم باید کلی فکر کنیم که نکند برایمان عواقب ناگواری داشته باشد. همه با محدودیت روبه روییم. نمی توانیم آن طور که می خواهیم عمل کنیم، آن طور که می خواهیم حرف بزنیم، نمی توانیم کاری را که دوست داریم بکنیم، گاه حتی نمی توانیم آن طور که می خواهیم فکر کنیم زیرا اشغال سرزمین با چنان شدتی ما را در چنگال خود فشرده که مغزها و قلب هایمان را به درد آورده و ما را واداشته که خود را به دریای اشک حرمان و خشم بسپاریم!

دیگر بس است! بس است درد، بس است اشک، بس است رنج، بس است کنترل، محدودیت، توجیه های ناموجه، ترور، شکنجه، بهانه، بمباران، شب های بی خوابی، غیرنظامیان مرده، خاطرات سیاه، آینده یاس آور، حال دردناک، سیاست آشفته، سیاستمداران خشک مغز، مزخرفات مذهبی، بس است زندان! ما می گوئیم بس کنید! این آینده ای نیست که ما می خواهیم! ما سه چیز می خواهیم. می خواهیم آزاد باشیم. می خواهیم زندگی بهنجار داشته باشیم. می خواهیم در صلح زندگی کنیم. آیا مطالبه این ها چیز زیادی است؟»

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۶ دی ۱۳۸۹